

[کلیک کنید](#)

متن پیاده سازی شده جلسه صد و سیزدهم خارج اصول 22 فروردین 1400

بسمه تعالی

گفتگو با محقق نائینی در ارتباط با شهرت

یکی از آقایان کتابی را معرفی کردند با نام «أسباب اختلاف الحدیث» که در این کتاب راجع به تعارض بطون و اشارات قرآن مطالبی بیان شده است، نوشته اند آیا از این کتاب خبر دارید یا خیر؟ اگر یادتان باشد ما این کتاب را در بحث مناشیء اختلاف حدیث معرفی کردیم و حتی مطالبی را نیز از آن نقل نمودیم لکن آنچه در این کتاب محترم و قابل استفاده وجود دارد با آنچه مورد نظر ما می باشد، رابطه عام و خاص من وجه دارد لذا این کتاب می تواند از منابعی باشد که برای مقاله یا پایان نامه در این موضوع از آن استفاده شود.

نکته دیگر اینکه این جلسه آخرین جلسه ما قبل از رمضان است و با این جلسه، بحث تعادل و ترجیح یا مدیریت تعارض ادله تمام می شود یا به تعبیری خارج اصول ما بعد از 26 سال پایان پیدا می کند؛ لکن در برخی از دوره ها و کتاب ها به عنوان خاتمه اصول، بحث اجتهاد و تقلید را مطرح کرده اند مانند آخوند خراسانی و برخلاف شیخ اعظم؛ بعضی از آقایان نیز در آغاز فقه این بحث را می آورند مانند صاحب عروه لکن در واقع دو نگاه است، وقتی در اصول مطرح می شود، نگاه اصولی به آن می شود و وقتی در فقه مطرح می شود نگاه فقهی به آن می گردد. قصد داریم بعد از ماه رمضان، مقداری به این بحث پردازیم لکن نه به طور مفصل بلکه در حدی که نظر آخوند همراه با تحقیق مسأله بیان شود.

عنوان بحث امروز ما «ملاحظات در اطراف اندیشه محقق نائینی در مجال حاضر» است؛ اولین ملاحظه : ایشان فرمود قسم اول از شهرت، شهرت روایی است و آن را مرجح در وقت تعارض دانست و اضافه کرد که مراد امام ع در مقبوله عمر بن حنظله، همین قسم از شهرت است. برخی مانند مرحوم امام اشکال گرفته اند که شهرت روایی [ یعنی شهرت بین محدثین که در مقابل شهرت عملی و فتوایی است ] مرجح نیست بلکه شک برانگیز است چون هر عاقلی با خود حساب می کند که این روایت با وجود شهرت در نقل چرا مورد فتوای فقها واقع نشده است؟

خود ما هم زمانی به این مطلب معتقد بودیم اما این اواخر به این نکته فکر می کردیم که آیا محقق نائینی به این اشکال التفات نداشت؟ مخصوصاً ایشان در چند سطر بعد می فرماید : شهرت عملی اگر بر خلاف شهرت روایی بود موجب زمین خوردن روایت [ روایتی که شهرت روایی دارد ] می گردد. یعنی اشکالی که امام مطرح می کند دقیقاً در کلمات نائینی آمده است لذا به فکر توجیه منطقی افتادیم. به نظر می رسد که ایشان در صدد بیان این مطلب است که شهرت روایی اگر فقها به هر دلیلی نسبت به آن بشرط لا نباشند و هیچ موضع سلبی نگرفته باشند، مرجح است نه جایی که موضع سلبی گرفته باشند زیرا این موضع گیری فقها مُریب است. البته این نکته، شبهه را صد در صد از ایشان رفع نمی کند ولی دیگر نمی توان به همان راحتی کلام ایشان را رد نمود.

ملاحظه دوم : مرحوم نائینی در بحث شهرت، مدرسه ای و صناعت محور برخورد کرده است مثلاً فلان شهرت مرجح است و فلان شهرت جابر یا موهن است و... باید دانست که در بحث مرجحات، جبر، وهن و کسر [ ظهور شکنی ] معیار، اطمینان و

وثوق است؛ اگر اینگونه باشد گاهی شهرت در روایت اصلاً مرجح نیست حتی اگر فقها بشرط لا نباشند چون مقابل آن مثلاً یک ترجیحاتی وجود دارد یا وثوق و قرار نمی آورد، یا مثلاً برای شهرت در فتوا هیچ سهمی قائل نشد اما ممکن است اطمینان بیاورد، پس این ها درستی نیست و باید کسر و انکسار شود بله در مقبوله عمر بن حنظله مرجحاتی با ترتیب مشخص آمده است ولی معیار این است که «لا ریب فیه» درست شود؛ پس بین رفتار مدرسه ای و بین رفتار عرف محور تفاوت وجود دارد و باید در تعارض ادله، وثوق و اطمینان را معیار قرار داد و مقبوله عمر بن حنظله بیش از این اقتضا نمی کند.

آخرین نکته : نائینی در تفریق بین شهرت و اجماع فرمود : اگر کسی بگوید شما اجماع را بالا می گیرید و می گوید کاشف از دلیل قطعی است ولی وقتی به شهرت می رسید، آن را حساب نمی کنید؛ ایشان پاسخ داد که میان آن دو فرق زیادی است زیرا شهرت کاشف از چیزی نیست ولی اجماع کاشف از دلیل معتبر الدلالة و السند است.

باید دانست که این تفریق، علی الاطلاق به این صورت که از آن یک قضیه موجه کلیه و یک سلبیه کلیه بدست آید [کل اجماع یکشف عن دلیل معتبر عند الكل و الشهرة لا یکشف عن شیء] قابل پذیرش نیست و ممکن است در دو طرف مناقشه شود مثلاً گاهی اوقات شهرت، انسان را به قرار و اطمینان یا خیر الطرق المیسره می رساند و از آن طرف گاهی اجماع، کاشف نیست مانند مبنای کسانی که می گویند اجماع مدرکی یا محتمل المدرکیه حجت نیست.

پس اجمالاً اینکه شهرت سه قسم باشد و هر کدام احکام فی الجملة ای داشته باشند صحیح است اما احکام صد در صدی آنگونه که محقق نائینی فرمود، بر طبق روش اجتهاد قناعت محور پذیرفتنی نیست.

**الحمد لله رب العالمین**